

چه بی رنگ و بی نشان که منم

در بیان فردوسی بزرگ عدد ۳۰ یک نماد است و یک نشان. گواه یک عمر کوشش و یک جهان تلاش. به جان خریدن رنج‌ها و دردها بدون هیچ پاداش. عدد ۳۰ نماد است برای آرزوهای بالابند. نماد جرأت برای رفتن به راه‌های نرفته و احیای میراث کهن. کوشش برای فرهنگ، برای ترویج دانش و خرد. توشه این راه، سوختن است و ساختن. دیدن نادیده‌ها و شنیدن صدای سکوت. این است داستان کارهای ماندگار در عرصه فرهنگ و هنر. آنها که قدم در راه پرفراز و فرود فرهنگ می‌گذارند، سختی‌ها را به جان دل خریده‌اند. این عرصه جولانگاه کسانی است که آتشی در دل و رویاهایی شورانگیز در سر دارند. زنان و مردان سختکوش و صبور. اهالی کوی شکیبایی و گذشت. آنها که باور دارند به قدرت بی‌مانند سخن و پاس می‌دارند حریم و حرمت دانایی و قلم.

و شاید اینچنین باشد داستان روزنامه‌ای با نام پرشکوه ایران. روزنامه‌ای که از آن خود کرده سرانجام نشان سال سی را با غرور و افتخار. خبرنگاران، نویسندگان و دبیران و هنرمندان روزنامه ایران سی سالگی تلاش خود را جشن می‌گیرند. روزنامه‌های دیگر کارشان آسان‌تر است. آنها از آغاز پذیرفته‌اند یک رنگ را از بین رنگ‌های گوناگون سیاسی. کلام‌شان

و نگاه‌شان، تیترها و سوتیترهای شان همواره هست به طعم یک سیاست به رنگ یک جناح، اما روزنامه‌ای که برای دولت است ولی به نام ایران، بر سر دوراهی بزرگی گرفتار آمده. در تبوتاب است بین رنگ سیاست و بی‌رنگی ایران. «وه چه بی رنگ و بی نشان که منم». روزنامه ایران در فرازوفرود سیاست همواره گرفتارتر است از دیگران. هر دولتی که می‌آید، می‌برد با خود چون سیل هرچه دارد نشانی از آن دولت پیشین و می‌آورد با خود چون طوفان یک نگاه و گفتمانی دیگر. مدیرانی که می‌آیند و می‌روند و بدنه‌ای که هست و می‌ماند و باید بکوشد

شایسته نام ایران به سلامت بگذرد از دالان رنگ‌ها و نظرها. برای آنها که بی‌رنگی را در لابه‌لای این همه رنگارنگی آزموده‌اند ادای احترام می‌کنم. کاری است سخت و درخور ستایش‌های بسیار. سی سال ماندن بین رنگ و بی‌رنگی، بین دولت‌های گذرا و ایران ماندگار، بین نشان و بی‌نشانی کارنامه‌ای است ماندگار.

به سختی می‌توان گفت که روزنامه ایران در همه دوره‌ها و در همه دولت‌ها رسیده است به چنین مقام والایی. اما در روزگار سیاست‌زدگی‌های بسیار، باز می‌توان تلاش ارجمند کارکنان فهیم این روزنامه را برای ماندن به رنگ ایران دید و به‌خوبی احساس کرد. تلاش گرانسنگی که روزنامه ایران را به چنین جایی و جایگاهی رسانده. رسیدن به درگاه سی سالگی میوه صبورهای بسیار است و تلاش‌های استوار. نویسندگان و خبرنگاران چیره‌دستی که با درایت و کوشش بی‌مانند و صبوری و هوش فراوان خود نگذاشتند روزنامه ایران فروکاسته شود به بلندگوی یک حزب و یک نگاه. روزنامه‌ای که اگرچه سخن می‌گوید به نام یک دولت، می‌کوشد رسانه‌ای باشد به کام یک ملت. و چه دشوار است ماندن بر این باریک‌راه پرخطر. سخت است ماندن به نام دولت به رنگ ایران.

سی سالگی روزنامه ایران را به همه ایرانیان بویژه به کارکنان سختکوش آن تبریک می‌گویم. بدان امید که چرخ روزگار به سود خردمندی و پیشرفت و امید برای ایران عزیز بچرخد و روزنامه ایران پر شود از خبرهای خوب و شادی‌آفرین.

وه چه بی رنگ و بی نشان که منم
کی ببینی مرا چنان که منم
گفتی اسرار در میان آور
کومیان‌اند این میان که منم



حجت‌الله ایوبی

رئیس سابق سازمان
سینمایی

▼
عدد ۳۰ نماد است
برای آرزوهای
بالابند. نماد
جرأت برای رفتن
به راه‌های نرفته
و احیای میراث
کهن. کوشش
برای فرهنگ،
برای ترویج دانش
و خرد. توشه
این راه، سوختن
است و ساختن.
دیدن نادیده‌ها
و شنیدن صدای
سکوت. این است
داستان کارهای
ماندگار در عرصه
فرهنگ و هنر

